

حکمت

رسول اکرم (ص)

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۲



هرگاه خداوند برای خانواده‌ای خیر بخواهد آنان را در دین دانا می‌کند، کوچک‌ترها بزرگ‌ترهایشان را احترام می‌نمایند، مدارا در زندگی و میانه‌روی در خرج، روزی‌شان می‌نماید و به عیوب‌شان آگاه‌شان می‌سازد تا آنها را برطرف کنند.

یادداشت

یادمان نرود دنیا گرد است



«دنیا گرد است»؛ این جمله‌ای است که همه ما بارها آن را شنیده ایم و خیلی وقت‌ها هم آن را در زندگی شخصی خودمان لمس کرده ایم. ماجرای که هرکس با هر دیدگاه و جهان بینی متفاوت به یک شکل مطرح می‌کند.

از توصیه‌های معصومان و تاکید دین مبین اسلام بر انجام عمل صالح گرفته تا مکاتب غیرالهی مثل قانون کارما و حتی با نگاه اومانستی.

از هر زاویه‌ای که به ماجرا نگاه کنیم، می‌بینیم عقل و منطق حکم می‌کند همه کارها و اعمال ما نتیجه‌ای داشته باشد و عکس العمل این کارها و رفتارها به خود ما باز می‌گردد. رفتارها و اعمال ما خوب یا بد، اثرات متعددی در پی دارد و گاهی یک رفتار یا یک حرف ما می‌تواند در زندگی و سرنوشت یک نفر دیگر آثار مثبت یا منفی داشته باشد.

تاثیرات مثبت یا منفی رفتارهای ما به گونه‌ای است که حتی در برخی آزمایش‌ها دیده شده گیاهان هم از این رفتارها دچار تنش یا آرامش می‌شوند. به این معنا که وقتی شاخه گیاهی را می‌کنید یا نزدیک شدن به آن گیاه و بررسی ارتعاش‌های آن محققان متوجه شدند گیاه دچار تنش می‌شود. پس وقتی رفتارهای ما می‌تواند یک گیاه را این‌گونه دچار تنش کند این را به انسان با ویژگی‌های پیچیده روحی تعمیم بدهید.

بدیهی است اثرپذیری ما آدم‌ها از اعمال و رفتار یکدیگر بسیار بیشتر است. از سوی دیگر، حتی قوانین فیزیکی همچون قانون سوم نیوتن هم تاکید دارد هر عملی دارای عکس‌العملی با همان شدت و در جهت عکس است. این ماجرا تجربه زیسته بسیاری از ماست که وقتی کار نیکي انجام می‌دهیم، به کسی کمک می‌کنیم یا کار نوع‌دوستانه‌ای انجام می‌دهیم بیش از هر چیز از آرامش روحی که در سایه این عمل نیک نصیب‌مان می‌شود لذت می‌بریم.

از سوی دیگر، تمام این کارهای خوب و رفتارهای درست در جایی ذخیره شده و درست در زمانی که فکرش را نمی‌کنیم آثار و برکات آن به ما باز می‌گردد.

تمام این مسائل به این نکته منتهی می‌شود که حتی صرف نظر از موضوعات و تاکیدات دینی و الهی، به خاطر آرامش روحی و روانی خودمان هم که شده تلاش کنیم در برابر دیگران بهتر و درست‌تر رفتار کنیم.

زهرا چیدری

سرمد پیر چار دیواری

در سال ۱۷۶۷ میلادی، کونتاکینته توسط تجار برده ربه‌ی می‌شود و پس از شکنجه و سفری در شرایط سخت و طاقت‌فرسا با کشتی به سواحل مرلیند در آمریکا می‌رسد. او را در یک حراجی به مبلغ ۸۵۰ دلار به یکی از مزرعه‌داران سفیدپوست می‌فروشند. ادامه

احمد علوی

چار دیواری

کتاب شرح حال هنرمندانه زندگی مشقت‌بار و ماجراهایی است که بر او و نسل‌های بعدی‌اش تا الکس هیلی نویسنده کتاب در آمریکا گذشته است. نویسنده در ابتدای کتاب می‌گوید این کار حاصل ۱۲ سال پژوهش در مورد اجداد آفریقایی‌تبارش است. کسانی که با رواج برده‌داری در قرن ۱۸ از سرزمین مادری خود در آفریقا ربه‌ی شدند و جهت کار اجباری برای سفیدپوستان آمریکایی به آنجا منتقل شدند. هیلی در این داستان، زندگی خانواده و اجداد خود را به تصویر می‌کشد. پیام این داستان، وضعیت نابسامان آمریکاییان آفریقایی‌تبار و بیان رنج‌ها و کاستی‌های زندگی آنها در دوران برده‌داری و پس از آن است. هیلی به شناساندن مفاهیم تبعیض نژادی، بردگی، بیگاری و تحت استثمار دیگران بودن می‌پردازد و آنها را محکوم می‌کند.

این اثر در واقع مستندی است که به شکل رمان نوشته شده و روایتی واقع‌گرایانه دارد، داستان با تولد قهرمان اصلی «کونتاکینته» در دهکده‌ای مسلمان در گامبیا آغاز می‌شود. او با فرهنگ سنتی رشد می‌کند و زندگی آرام و بی‌دغدغه‌ای را همراه خانواده و قبیله‌اش می‌گذراند. اما تراژدی از جایی آغاز می‌شود که بازرگانان برده،

او را غافلگیر می‌کنند و می‌دزدند. کونتاک به همراه

عده‌ای دیگر از سیاهپوستان در بدترین

وضع با کشتی‌های تجارت برده به

آمریکا برده می‌شود....

الکس هیلی می‌کوشد در

کتاب خود یک بار دیگر تاریخ را-

این بار از زبان شکست‌خورده‌گان-

بنویسد. می‌کوشد از سیاهان در برابر

داستان‌هایی که از سرشت کودن و تنبل

و کم‌جنبه آنها وارد تاریخ آمریکا شده، دفاع

کند. می‌خواهد نشان دهد که در استقلال آمریکا

و ثروتمند شدن آن سیاهان هم‌نژادش چه نقش

روایتی مستند از برده‌داری در آمریکا

ریشه‌های یک استعمار و ظلم دنباله‌دار

عمده‌ای داشتند و در نتیجه حق دارند از مواهب امروز آمریکا سهم خود را طلب کنند.

«ریشه‌ها» خیال‌پردازی فانتزی برای سرگرمی ذهنی نیست. کتاب بیش از آن که رمان یا بیوگرافی باشد، تاریخ است. تاریخ ظلم و ستم مضاعف و بی‌رحمانه سفیدپوستان غربی در ساختن جامعه آمریکا با بهره‌کشی از سیاهانی که به‌زور آفریقاییان را از سرزمین مادری‌شان دزدیدند و با کشتی به آمریکا آوردند تا نیروی کار مجانی آمریکا باشند. خانواده الکس هیلی نویسنده کتاب ریشه‌ها بخت خوشی داشتند که پس از جنگ‌های داخلی آمریکا (۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ میلادی) کم و بیش وضع‌شان خوب شد. اما برای بیشتر سیاهان آمریکا چنین نبود. در فاصله ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ میلادی هر سال ۱۰۰ سیاهپوست «لینچ» شدند؛ یعنی یا آنها را زنده‌زنده سوزاندند یا قطعه‌قطعه کردند یا به دار آویختند. این وقایع افسانه‌های تاریخی مربوط به هزاران سال پیش نیست بلکه اتفاقاتی واقعی و مربوط به ۲۰۰ سال گذشته است. در گزارش به رئیس جمهور آمریکا در مورد شورش سال ۱۹۱۷ میلادی در شهر سنت لوئیس چنین آمده است: «در منطقه‌ای به طول ۸۰۰ متر سه یا چهار ساعت خون جاری بود. جلوی اتوبوس‌ها را می‌گرفتند و سیاهان را از هر سن و جنسی پیاده می‌کردند، با چماق و لگدم می‌زدند و با خونسردی سیاهانی را که در خیابان در خون خود افتاده بودند، با هفت تیر می‌کشتند.»

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با ده‌ها هزار نفر از فرماندهان بسیج سراسر کشور در بخشی از بیانات‌شان به شاخصه‌های استعمار و استکبار پرداختند. ایشان یکی از این شاخصه‌ها را این‌گونه معرفی نمودند: «یکی از شاخص‌های دیگر استعمار و استکبار این است که جنایت را نسبت به ملت‌ها و نسبت به آحاد بشر مجاز می‌شمردند و اهمیت نمی‌دهند. این یکی از بلاهای بزرگ استکبار در دوران جدید است.» بعد یک مثال روشن و مصداق معین هم بیان کردند که برخورد مستکبرین با بومیان آمریکا بود و از یک کتاب خارجی اسم بردند و خواندن آن را مغتنم دانستند: رمان «ریشه‌ها» نوشته الکس هیلی.



تفاوت زن و مرد در قانون اسلام

اجتماعی به زن در اسلام حق دخالت داده نشده: حکومت و قضاوت و جنگ به معنای کشتار (نه سایر قسمت‌های مربوط) که حکمت آن، چنان‌که از مدارک دینی به‌دست می‌آید، این است که جنس زن موجودی است عاطفی و احساسی و برخلاف مرد که موجودی تعقلی است و این سه موضوع مربوط به تعقل است نه احساس و بدیهی است یک موجود احساسی را در کاری که صدرصد تعقلی است هیچ‌گونه نباید دخالت داد و طبعاً رشد نمی‌کند. بهترین گواه این نظر مساعی مشترکی است که عالم غرب در تعلیم و تربیت مشترک مرد و زن به کار می‌برد، مع‌الوصف تاکنون در این سه بخش از شئون اجتماعی نتوانسته رقم قابل توجهی از زنان بار بیاورد و در فهرست نواخ قضاوت و سیاستمداران و سرداران جنگی نسبت زنان به مردان بسیار ناچیز است، چه برسد به تساوی. (برخلاف مثلاً پرستار و رقااص و ستاره سینما و نقاش و آهنگساز) منبع: بررسی‌های اسلامی، ج ۲ ص ۲۹۲

آیا «زن» و مرد در قانون اسلام مساوی هستند و آیا «زن» می‌تواند در سیاست و کارهای مملکتی دخالت کند و با مرد مساوی باشد؟ علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌گویند: در آغاز پیدایش اسلام، جامعه بشری در خصوص زن یکی از دو عقیده را داشتند: دسته‌ای با زن معامله حیوان اهلی می‌کردند. زن پیش آنان عضو جامعه نبود ولی می‌شد که از نگهداری‌اش استفاده‌هایی مانند استیلا و خدمت به نفع جامعه کرد. دسته‌ای دیگر که متمدن‌تر بودند با زن معامله عضو ناقص می‌کردند و زن پیش‌شان مانند کودک یا اسیر طفیلی جامعه بود و حقوقی به حسب حال خود داشت که به دست مردان اداره می‌شد. اسلام بود که برای اولین بار در جهان انسانی، عضویت کامل زن را در جامعه اعلام کرد و عمل او را محترم شمرد «من ضایع نمی‌کنم کار هیچ کارکننده‌ای را از شما، مرد باشد یا زن، همه یک آفرینش دارند» (آل عمران، آیه ۱۹۵)؛ فقط در سه موضوع از موضوعات